

روزنامه‌اجتماعه – **سیاسه** – **فرهنگه** و**اقتصادی**

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری مردم سالاری

مدیرمسئول: مصطفی کواکبیان

www.mardomsalari.ir/newspaper

نشانی اینستاگرام: mardomsalari_ir

یادمان

کامران کاتوزیان در گذشت



کامران کاتوزیان - احیاگر گرافیک تبلیغات کشور - در ۸۳ سالگی درگذشت.

به گزارش ایسنا، کامران کاتوزیان، هنرمند پیشکسوت طراح گرافیک روز شنبه - ۲۵ اسفندماه - به اثر بیماری درگذشت. معاونت هنری وزارت فرهنگ این خبر را تایید کرده است. کاتوزیان یکی از تأثیرگذارترین طراحان گرافیک ایران در طول تاریخ پیدایش آن و فردی بود که به عقیده بسیاری تحول قابل توجهی را در صنعت تبلیغات به وجود آورده است. کسب جایزه مشترک چهارمین بینال تهران در سال ۱۳۴۳ به همراه زازه طباطبایی - نقاش و مجسمه‌ساز نوگرا - شرکت در بینال پاریس در سال ۱۳۴۴، شرکت در بینال ونیز ۱۳۴۵، شرکت در جشنواره بین المللی هنر-واشنگتن در سال ۱۳۵۶، تاسیس گالری صبا ۱۳۴۳، فعالیت در شرکت تبلیغاتی آوانگازدر سال ۱۳۵۰، فعالیت در شرکت تبلیغاتی کاریب در سال ۱۳۶۵ و … از جمله سوابقی است که میان فعالیت‌های این هنرمند به آن اشاره می‌شود. کاتوزیان متولد ۱۳۲۰ بود و از دوران دبیرستان به امریکا فرستاده شد تا تحصیلات خود را کامل کند. او در حدود سال‌های ۱۳۳۵ در دانشگاه هنر به تحصیل پرداخت. بعدها به دلیل علاقه وافرش به حوزه تبلیغات این مسیر را ادامه داد. اگر چه همواره گوشه‌نویز به نقاشی داشت و همواره به سمت آن کشیده می‌شد. او در سال ۱۳۳۳ گالری صبا را به همراه ناصر مخفم و چنگیز شوق راه اندازی کرد که مرکزی برای هنرمندان مدرن و شیوان روز هاست.

ویژه

بر نامه تعطیلی سینماها در شب‌های قدر

با فرا رسیدن ایام عزاداری شب‌های قدر، سینماهای سراسر کشور از اذان مغرب چهارشنبه ۲۹ اسفندماه ۱۴۰۳ تا صبح دوشنبه ۴ فروردین‌ماه ۱۴۰۴ تعطیل هستند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران جوان، به مناسبت ایام عزاداری شب‌های قدر، سینماهای سراسر کشور تعطیل شده و فیلم‌ها نمایشی نخواهند داشت.

بر اساس این خبر، سینماهای سراسر کشور از اذان مغرب چهارشنبه ۲۹ اسفندماه ۱۴۰۳ تا صبح دوشنبه ۴ فروردین‌ماه ۱۴۰۴ تعطیل هستند. از صبح دوشنبه چهارم فروردین ماه نیز فعالیت سینماها به حالت عادی بازخواهد گشت و سینماها اکران فیلم‌ها را از سر خواهند گرفت.

لازم به ذکر است که بعضی سینماها در روز یکشنبه صبح فروردین‌ماه ۱۴۰۴، نمایش فیلم‌ها را از ساعت ۱۱ ساع تا اذان مغرب ادامه خواهند داد.

بیکاری موقت پدر موتور حرکت فیلم «بچه‌های آسمان» است.
پدری آبرومند در طیفه پایین جامعه به خاطر بیکاری مجبور است به عنوان باغبان در خانه‌های ویلایی بالاشهر کار کند. او تا به حال در خانه‌های مردم را زده و از این بابت خجالت‌زده است. علاوه بر اینک به طرز شگفت‌انگیز خجالت می‌کنشد در مواجهه با فرزندانش هم سرافکنده است. او توانایی برطرف کردن نیازهای اصلی خانواده‌اش را هم ندارد. در این شرایط دختر این خانواده کفش‌هایش را به ریس اثر بی‌احتیاطی برسدارش کم می‌کند و برای رقتن به مدرسه کفش ندارد. پسر که ناراحتی و سرافکندگی پدر را دیده از خواهرش می‌خواهد حرفی از خرید کفش نزند. آنها مدام کفش‌هایشان را باهم عوض می‌کنند تا بالاخره پولی برای کفش جور کنند. در نهایت پسر تصمیم می‌گیرد در نوروزی سینماها قرار دارند.

اعلام تعطیلات نوروزی کتابخانه ملی

همزمان با آغاز تعطیلات نوروز ۱۴۰۴، برنامه خدمات‌رسانی تالارهای مطالعه سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران تعیین شد. به گزارش ایسنا، بر اساس برنامه‌ریزی صورت‌گرفته، تمامی تالارهای عمومی و تخصصی این مجموعه در روزهای ۳۰ اسفند ۱۴۰۳ همچنین ۱ و ۲ فروردین ۱۴۰۴ تعطیل خواهند بود.

از تاریخ ۳ تا ۱۳ فروردین، این تالارها به صورت پیوسته و در دو نوبت کاری، از ساعت ۸ صبح تا ۱۸ و در شیفت شب از ساعت ۱۸ تا ۲۴، آماده ارائه خدمات به پژوهشگران و مراجعه‌کنندگان هستند.

همچنین در روز عید سعید فطر، (۱۱ فروردین ۱۴۰۴)، ساعت کار تالارهای مطالعه با تأخیر و از ساعت ۱۰ صبح آغاز می‌شود. در طول ایام تعطیلات، ارائه کل زیرساخت سازمان آماده پاسخگویی به مشکلات و درخواست‌های کاربران در حوزه فناوری اطلاعات خواهد بود.

سربال

روح باباینجعلی هم به پایتخت ۷ نرسید



علیرضا خمسه درباره دلایل غیبتش در «پایتخت ۷» توضیحاتی را عنوان کرد و گفت که نظر عوامل این بود که بازگشت پنجملی باورپذیر نیست.

به گزارش ایسنا، علیرضا خمسه، بازیگر نقش باباینجعلی در فصل‌های قبل سربال «پایتخت» که حضورش در فصل جدید با پرسش‌هایی متعدد مواجه شده بود، درباره غیبتش در این فصل توضیح داد: پیشینه‌ام من به بچه‌های «پایتخت» این بود که پنجعلی با استفاده از حقه‌های سینمایی به این سربال برگردد ولی گمروه گفتند که بازگشت پنجعلی باورپذیر نیست. به گفته خمسه، نظر محسن تنبلی‌ده به عنوان سرپرست نویسندگان این بوده که او به صورت روح برگردد ولی این پیشنهاد را دوست نداشته است. با این حال قراری هم گذاشته شد اما زمانی که برای همکاری تعیین شد مطابق نبود با یکدیگر و درنهایت به توافق نرسیدند. خمسه در پایان گفت که از این اتفاق دلخو نیستند و فقط دوست داشته بابا پنجعلی در «پایتخت ۷» هم برمی‌گشت.

مردم سالاری

دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۳ – ۱۶ اردیبه‌تان ۱۴۴۶ – ۱۷ مارس ۲۰۲۵ – سال بیست وچهارم – شماره ۶۵۰۳

اذان صبح: ۴:۴۸ طلوع آفتاب: ۶:۱۲ اذان ظهر: ۱۲/۱۳ اذان مغرب: ۱۸/۲۰

به بیهانه اکران فیلم «رها» مطرح شد

دردِ نداری، سوژه مهم برای فیلم‌های سینمایی



مسئله فقر و نبود امکانات حداقلی برای یک زندگی عادی، همواره سوژه مهمی برای فیلم‌های سینمایی بوده است. زمانی بود که مجید مجیدی «بچه‌های آسمان» را ساخت و چالش خانواده‌ای فقیر را با ناتوانی برای خرید یک جفت کفش به تصویر کشید و در برهه‌ای دیگر، داریوش مهرجویی در «مهمان مامان» از دردسرهای خانواده‌ای فقیر صحبت به میان آورد که برای انداختن یک سفره شام برای مهمان‌هایشان در مضیغه بودند. حالا اما ناتوانی در خرید برخی وسیله‌های ضروری زندگی، به طبقه فرودست محدود نمی‌شود و در فیلم‌هام سینمایی هم مشکلات تأمین لوازم ضروری زندگی به خانواده‌های طبقه متوسط رسیده است. خانواده‌هایی از طبقه متوسط که با وجود تلاش‌های زیادی که می‌کنند برای خرید کامپیوتر، لپ‌تاپ و کتایه با چنان دردسرهایی روبه‌رو می‌شوند که حتی شاید زندگی‌شان را از دست بدهند.

به گزارش فیلم‌نویز، به بیهانه اکران فیلم «رها» به کارگردانی حسام فرهمند و سوزه اجتماعی تلخ اما قابل درک آن مروری داریم بر فیلم‌هایی که شخصیت‌هایش برای خرید ابتدایی‌ترین وسایل زندگی دچار چالش شده‌اند.

«بچه‌های آسمان» است. پدری آبرومند در طیفه پایین جامعه به خاطر بیکاری مجبور است به عنوان باغبان در خانه‌های ویلایی بالاشهر کار کند. او تا به حال در خانه‌های مردم را زده و از این بابت خجالت‌زده است. علاوه بر اینکه به طرز شگفت‌انگیز خجالت می‌کنشد در مواجهه با فرزندانش هم سرافکنده است. او توانایی برطرف کردن نیازهای اصلی خانواده‌اش را هم ندارد. در این شرایط دختر این خانواده کفش‌هایش را به ریس اثر بی‌احتیاطی برسدارش کم می‌کند و برای رقتن به مدرسه کفش ندارد. پسر که ناراحتی و سرافکندگی پدر را دیده از خواهرش می‌خواهد حرفی از خرید کفش نزند. آنها مدام کفش‌هایشان را باهم عوض می‌کنند تا بالاخره پولی برای کفش جور کنند. در نهایت پسر تصمیم می‌گیرد در

مسابقه دومیدانی، نفر دوم شود تا جایزه آن را که یک جفت کفش است برنده شود و به خواهرش بدهد. بخش مهمی از جذابیت فیلم به تلاش‌های پسر برای جور کردن کفش برمی‌گردد. این پس‌ریچه تنها کسی است که از اول شدن خوشحال نمی‌شود. چون می‌داند جایزه نفر اول کفش نیست و هدفی جز برنده شدن کفش ندارد. مجیدی فقر و سرافکندگی پدر و تلاش‌های فرزندان را می‌حفظ آبروی او را در این فیلم به تصویر می‌کشد.

محمدرضا هنرمند سال ۱۳۸۰ از ناتوانی یک پدر در خرید کامپیوتر برای پسرش صحبت به میان می‌آورد و از همان زمان روی این مسئله تمرکز می‌کند که طبقه متوسط توانایی همراه شدن با سطوح بالای جامعه را ندارد.در این فیلم شخصیت اصلی دادگستری معرفی می‌شود. او به پسرش وعده خرید کامپیوتر می‌دهد اما پولش به خرید آن نمی‌رسد و سا خواهش و تمنا و دعا او هم به جایی نمی‌رسد. او به خاطر اینکه می‌تواند خواسته پسرش را برآورده کند خجالت‌زده می‌شود.

ماجرای از یک جایی به بعد، به سمت‌وسوی دیگری می‌رود. او همراه یک خلافکار، پسر یکی از مراجعین ثروتمند به دادگاه را گروگان می‌گیرد و از خانواده‌اش درخواست یک میلیون پول نقد می‌کند. نهایتاً ساده‌دلی افشاری باعث می‌شود گروگان‌گیری به جایی نرسد و به زندان بیفتد. «عزیز من من کوک نیستم» یکی از ضعیف‌ترین فیلم‌های کارنامه محمدرضا هنرمند است. با این حال در نقد زندگی و مشکلات طبقه متوسط و ناتوانی‌شان در بهبود اوضاع زندگی موفق عمل می‌کند.

«بچه‌های آسمان» است. پدری آبرومند در طیفه پایین جامعه به خاطر بیکاری مجبور است به عنوان باغبان در خانه‌های ویلایی بالاشهر کار کند. او تا به حال در خانه‌های مردم را زده و از این بابت خجالت‌زده است. علاوه بر اینک به طرز شگفت‌انگیز خجالت می‌کنشد در مواجهه با فرزندانش هم سرافکنده است. او توانایی برطرف کردن نیازهای اصلی خانواده‌اش را هم ندارد. در این شرایط دختر این خانواده کفش‌هایش را به ریس اثر بی‌احتیاطی برسدارش کم می‌کند و برای رقتن به مدرسه کفش ندارد. پسر که ناراحتی و سرافکندگی پدر را دیده از خواهرش می‌خواهد حرفی از خرید کفش نزند. آنها مدام کفش‌هایشان را باهم عوض می‌کنند تا بالاخره پولی برای کفش جور کنند. در نهایت پسر تصمیم می‌گیرد در نوروزی سینماها قرار دارند.

«لاله سیاه» سومین اثر سینمایی آرتنا موگویی در مقام

آدرس تحریریه: تهران ستارخان – خیابان سازمان آب – خیابان حاجی‌پور امیر کوچه چهارده – پلاک ۱
تلفن: ۲۹–۸۸۲۸۸۲۲۶
فکس: ۸۸۲۶۲۰۹۴
رتبه روزنامه: ۲
توزیع: نشتر گستر امروز– تلفن:۶۱۹۳۳۳۳۳
چاپ: صمیم– تلفن: ۴–۶۵۵۸۶۸۰۱

گفت‌وگو

چالش‌های ساخت فیلم از زبان کارگردان روشندل:

متأسفانه حمایتی در ایران نمی‌بینیم!



گروه فرهنگی – میثم دهرویه: دکتر پوریا مجاهدی، کارگردان فیلم کوتاه «الماس» بیان کرد: براین باورم که سینمای ایران با هرچایگاهی مشخص است که از سمت مخاطبین پذیرفته شده است و مخاطب را راضی نگاه می‌دارد و طبیعی است در این بین فروش و دیده شدن برخی آثار با توجه به تغییر سلیقه مخاطب متفاوت باشد؛ برای مثال آثار دهه ۸۰ با آثار دهه ۹۰ متفاوت بود و حتی امروز نیز آثار متفاوت است و در این دهه نیز ما شاهد آثار کم‌دستی و طنز هستیم که مخاطبان را سرگرم می‌کند و این به نظر من بسیار زیباست و از آن لذت می‌برم؛ اینکه تا چه روزی این مسیر ادامه دارد را نمی‌دانم و شاید روزی جهت فیلم سازی در ایران تغییر کند و جهت دیگری به خود بگیرد که ممکن است این جهت انتقادی، اعتراضی و… باشد اما امروزه این جهت سرگرمی و کم‌دستی و به نظر من بسیار زیباست.

او ادامه داد: جایگاه فیلم «الماس» با توجه به آنچه که در دنیای ذهنی خود داشتیم کاملا متفاوت با آثار کنونی سینما ایران است؛ یک فیلم کاملا حالت گنگستری که به سبک غربی ساخته شده اما به نظر می‌تواند این نوع آثار چه درفضای فیلم کوتاه و چه فیلم سینمایی برای مخاطبین جذاب باشد چراکه اینگونه آثار در سینما ایران اصولاً کم تولید شده و یا بسیار محدود بوده است. بدون شک اگر تولید این نوع آثار در سینمای ایران افزایش پیدا کند علاوه بر جذابیت برای مخاطبین می‌تواند ارتباط خوبی را با مخاطب برقرار کند چراکه از نظر فضا و نحوه دیالوگ‌ها و تغییر شخصیت‌ها و بخصوص نورپردازی و نوع موزیک و… با دیگر آثار ایرانی متفاوت است و تمامی این موارد تزی شخصی بنده است و ممکن است دیگر هنرمندان نظرات دیگری داشته باشند.

این هنرمند سینما عنوان کرد: خصوصیت بسیاری مهمی که سعی شده در این فیلم کوتاه رعایت شود و بسیار علاقمندم تا در دیگر آثار کوتاه و یا حتی بلندم به غیر از فضای طنز و کم‌دستی آن را رعایت کنم موضوع انتخاب موسیقی‌های شاخص است، من بسیار علاقمندم تا موسیقی آثار شاخص سینما هالیوود در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ را ضمن پرداخت حق کپی رایت در فیلم خود استفاده نمایم و بر اساس آن ریتم موزیک ساختار فیلم را تعیین نمایم این روند را طی نمایم تا مخاطب این هارمونی که بین موزیک و ضرب انگام فیلم وجود دارد را درک کند و احساس آنکه یک کنتراست و هماهنگی با ضد و نقیض‌های متفاوت در فیلم وجود دارد را درک کند. «الماس» تنها من باب اسم الماس نیست؛ الماس درخشش‌های مختلفی دارد و این فیلم از زوایای مختلفی می‌تواند دیده شود که منظور زوایایی است که مخاطب را می‌تواند درگیر کند و او را به فکر فرو ببرد و در رابطه با هر کدام از شخصیت‌ها در مورد آنکه چه شد که این شد کنکاش کند و اثر را دوباره ببیند تا شاید متوجه شود؛ من این حس را نسبت به فیلمم داشتم و امیدوارم که مخاطب نیز این حس را داشته و اثر را در نهایت دوست داشته باشد، آن را مجددا تماشا کند و ریزه کاری‌هایی که سعی شده داخل فیلم قرار داده شود متوجه شود.

او افزود: دغدغه‌های شخصی منهای متفاوتی دارد؛ من می‌توانم آن را دغدغه شخصی خود در کودکی تا امروز با دغدغه جامعه معنا کنم اما «الماس» به صورت کلی دغدغه من به عنوان یک فردی است که دوست داشت همواره فیلم بسازد و شرایط برایش فراهم نبود و امروز به هر ترتیبی توانست این کار را در عالم تاریکی انجام دهد، او در دنیای تاریکی که خودش بود، مدام فکر می‌کرد و حالا میلیون‌ها سر و صدا در ذهن اوست. باتوجه به همه این موارد بله فیلم می‌تواند به دغدغه‌های شخصی‌ام ارتباط داشته باشد و فکر می‌کنم توانستم از پس این دغدغه به خوبی بر آمده و امیدوارم در گام‌های بعدی این دغدغه که شخصاً فیلم‌سازی است، همین عشق، همین نگاه مردم، عشق مردم و… را ابراز کنم و لطف خدا همواره شامل حال من شود.

هیچ چیزی از هیچ کسی بعید نیست

این کارگردان روشندل ایرانی در رابطه با اثر خود، ابراز داشت: اگر بخواهم در یک جمله این فیلم را خلاصه کنم، همان جمله‌ای که از ویلیام فاکنر است را بیان می‌کنم، او می‌گوید «هیچ چیزی از هیچ کسسی بعید نیست» این تنها جمله‌ای است که می‌توانم از این فیلم بگویم چراکه کلیت «الماس» در حال نشان دادن همین جمله در همه زوایا است.

او در رابطه با فیلم‌سازی با شرایط خاص خود، خاطر‌نشان کرد: فردی با این شرایط خاص که در نابینایی فیلم ساخته‌است است یک امر منحصr به فرد کشوری و یا حتی جهانی است، این اتفاق جزو محدود اتفاقات منحصr به فرد سینماس‌ت اما قطعاً این منحصr به فرد بودن مطلق به این موضوع نیست؛ علاوه براین روبرگرد من به عنوان فردی که در این جایگاه و در این شرایط توانستم فیلم بسازم همواره برای همه اشخاص در این دوران سوال بوده و مدام از نشدن فیلمم تا انجام یک سری کارها در این عرصه می‌گفتند. بنده نیز همانند بسیاری از هنرمندان در سینمای ایران آکادمی درستی نمی‌بینم و معتقدم به قدری گروه بنده‌ای های گوناگون در این عرصه وجود دارد و یک عده با عده دیگر دارای شرایط خاص هستند که میحت حمایت مطرح نمی‌شود و همه جریان‌ات در همان چرخه در حال جریان است اما با همه این‌س اتفاقات براین باورم که سینمای ایران در وسعت جهانی می‌تواند مطرح باشد و این موضوع نباید تنها در ارسال فیلم برای چند فستیوال خارجی و دریافت جایزه از آنها و در نهایت دریافت دو جایزه اسکار توسط بزرگان سینما و یا همین موضوع منحصr به فرد ساخت این فیلم خلاصه شود، باید در کنار این موضوعات یک جریان حمایتی نیز وجود داشته باشد؛ به طور مشخص اگر در سینمای هالیوود این اتفاق رخ می‌داد یقین دارم که بزرگان سینما بدون در نظر گرفتن گرید فیلم که می‌تواند از A تا B باشد قطعاً این فیلم را تماشا می‌کردند تا بدانند این شخص چگونه این فیلم را ساخته و به طورکلی در ذهن این فرد چه می‌گذرد و چگونه این فرد دگوباز می‌کند و میزان سن و بازیگران خود می‌دهد؛ این هنرمند چگونه یک فیلم را ساخته، آن را نوشته و درک می‌کند تا مخاطب درگیر آن شود و…؛ فکر می‌کنم همه این موضوعات موجب حمایت بزرگان و آکادمی‌های بزرگ سینمایی از این موضوع می‌شد.

دکتر پوریا مجاهدی تأکید کرد: متأسفانه در ایران اینگونه اتفاقات را تاکنون با صحبت‌های گوناگونی که تا امروز شنیده‌ام نمی‌توان دید و عملاً می‌توان گفت در ایران حمایتی وجود ندارد، در حالیکه همه دوستان زمانی که موضوع را میشنوند می‌گویند بسیار جالب است؛ تمامی اتفاقات در این حوزه به صورت خودجوش توسط دوستان و یا بنده اتفاق خواهد افتاد. شرایط برای اکران تقریباً فراهم شده است و در تالاشیم تا با هماهنگی دوستان، تا حمایت تهیه کنندگان، کارگردانان، بازیگران و منتقدین را در داشته باشیم. در کل می‌توان گفت باتوجه به شرایطی که وجود داشت متأسفانه حمایتی که باید رخ نداد و این موضوع برداشتی به من می‌دهد که در شرایط برخی از مردم ایران نشأت می‌گیرد، متأسفانه برخی از پیشرفت یکدیگر لذت نمی‌برند. به شخصه از پیشرفت همه دوستان هنرمند در سینما و در هر جایگاهی لذت برده‌ام و همیشه برای آنها آرزوی موفقیت کرده‌ام.

این هنرمند سینما در پایان بیان کرد: تنها خواسته بنده این است که به این موضوع بعنوان یک موضوع ساده دیده نشود؛ اینکه یک فرد نابینا فیلم ساخته یک موضوع بزرگ است و ما باید با یک زاویه خاصی به این مسئله نگاه کنیم و به همین دلیل حمایت کارگردانان بزرگ، تهیه‌کنندگان بزرگ و بازیگران بزرگ را در طول این مسیر نیاز دارم و امیدوارم که این اتفاق هرچه سریعتر رخ دهد. پیشاپیش از همراهی همه دوستان تشکر می‌کنم و اگر در مراسم اکران این فیلم حضور داشته باشند موجب شادی و خرسندی من خواهد بود. اگرهم حضور نداشته باشند هر آنچه که باید را در این متن گفته‌ام؛ به امید پیروزی سینما در ایران و در جهان.

دردسر وقتی بالاخره تلاش‌های همگی نتیجه می‌دهد و مادرش آمبول را می‌زند می‌فهمد که باید هر بیست‌ویک روز یکبار این آمبول تزریق شود. در این فیلم نیاز اصلی شخصیت، به طور مستقیم به سلامتی مادرش برمی‌گردد. او می‌داند که فقط از این طریق می‌تواند مادر را داشته باشد و حالا با توان کودکانه‌اش به این چالش مهم دست می‌زند. «بیستویک روز بعد» اولین تجربه محمدرضا خردمندان است؛ فیلمی که با وجود تلخی زیاد مخاطبان را با دنیای نوجوانان‌اش همراه می‌کند.

کتابه

(کیانوش عیاری ۱۳۹۵)

در فیلم «کتابه» به کارگردانی کیانوش عیاری با نیاز خانواده‌ای از طبقه متوسط جامعه به یک کتابه روبه‌رو هستیم. قرار است برای خانواده دختری خواستگار بیاید و آنها خجالت می‌کشند روی کتابه کهنه و کثیف از آنها پذیرایی کنند. پدر که می‌بیند کتابه‌ای به نسبت سالم را کنار میدان دم خانمشا رها کرده‌اند آن را به خانه می‌آورد و فشار زیاد، عفت سفره شام مفصلی جلو آنها می‌گذارد. همسرش دست‌بردار نیست و بعد از شام، از مهمان‌ها می‌خواهد بمانند تا صبح باهم کله‌پاچه بخورند و این تعارف بی‌جا کار عفت را به سی‌سی‌یو می‌کشد. درواقع تمرکز فیلم روی این مسئله است که یک شام ساده برای خانواده‌ای فرودست به چنان بحرانی حال ایده جالبی دارد. عیاری طبقه متوسط

با یا یک کتابه به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که برای ناتوانی در خرید یک کتابه ساده نیازی نیست که آدم از طبقه فرودست باشد. در دوره و زمانه جدید حتی طبقه متوسط هم از چنین خریدهایی ناوانند.

با یا یک کتابه به چالش می‌کشد و نشان می‌دهد که برای ناتوانی در خرید یک کتابه ساده نیازی نیست که آدم از طبقه فرودست باشد. در دوره و زمانه جدید حتی طبقه متوسط هم از چنین خریدهایی ناوانند.

آواز گنجشک‌ها

(مجید مجیدی ۱۳۸۶)

در فیلم «آواز گنجشک‌ها» به کارگردانی مجید مجیدی، پسری که با خانواده‌اش در حومه شهر زندگی می‌کند توانایی خرید سمعک برای دختر کم‌شنوایش را ندارد. هزینه تعمیر یا خرید سمعک به قدری بالاست که با پول زندی معمولی نمی‌تواند پرداخت کند. او به شهر می‌رود و مسافرکشی می‌کند تا بتواند پول سمعک را جور کند. او در شهر با زندگی جدیدی روبه‌رو می‌شود و آرزوهای دیگری در سر می‌پوراند اما نهایتاً شکست می‌خورد و به چیزی می‌خواهد نمی‌رسد. سمعک برای گوش یک دخترچه کم‌شنوا به قدری ضروری است که او هر پدری انتظار می‌رود بتواند آن را جور کند. مجید مجیدی دقیقاً شخصیت اصلی داستان را با همین چالش سخت روبه‌رو کرده است؛ با قدری که اجازه نمی‌دهد بدبختی‌ترین وسیله مورد نیاز یک دخترچه تأمین شود.

(بیستویک روز بعد

(محمدرضا خردمندان ۱۳۹۵)

«بیستویک روز بعد» به کارگردانی محمدرضا خردمندان درباره پسر نوجوانی است که آرزو دارد فیلمساز شود اما وقتی می‌فهمد برای درمان مادرش که به سرطان مبتلاست باید آمپولی تهیه کند که مبلغش یک‌میلیون تومان است، به هر دری می‌زند تا این پول را جور کند. او با کمک بچه‌های محله‌های‌اش نقشه‌ای می‌کشد از علاقش با همه چیز ویژه جشنواره شانگهای و بهترین فیلم بین‌المللی استفاده کند و آمپول مادرش را خریداری کند. با هزار



به گزارش برنا؛ در این مجموعه که تهیه‌کنندگی آن را محمد مسعود برعهده دارد، بازیگرانی، چون صابر ابر، هانیه توسلی، مهدی پاکدل، پدram شریفی، ستاره پسیانی، مرجان اتفاقیان و فرزین محدث به ایفای نقش می‌پردازند.

رامتین لوفی پور علاوه بر کارگردانی، نویسندگی این سریال را نیز برعهده دارد و بلتقرم جدید «ستارنت» سکوی پخش سریال «کنکُل» خواهد بود.

طبق شنیده‌ها این سریال با حال و هوای فیلم سینمایی «هت تریک» آخرین ساخته رامتین لوفی پور ساخته شده که همان لحن شوخ طبعی را دارد که با قصه‌ای معمایی همراه است. رامتین لوفی با فیلم‌های «آرام باش و تا هفت بشمار»، «برلین منفی هفت» و «هت‌تریک» جوایز معتبر و بین‌المللی متعددی را کسب کرده است. این کارگردان نخستین فیلمساز ایرانی است که جایزه تایگرآوردز در ترماد را دریافت کرد. همچنین جوایز ویژه جشنواره شانگهای و بهترین فیلم جشنواره رم، بهترین فیلم جشنواره ویاودلید اسپانیا و سمیرغ بهترین فیلمنامه جشنواره بین الملل فجر نیز در کارنامه او ثبت شده است.



کارگردان پس از ۲ فیلم «ترازوی» و «ایده اصلی» است. موگویی که طی سال‌های اخیر به تهیه‌کنندگی تئاتر مشغول بوده و تهیه‌کنندگی ۲ نمایش «قصه ترانه‌های ماندگار» و «کالیله» را بر عهده داشته است، با «لاله سیاه» به عرصه کارگردانی در سینما بازخواهد گشت.

او موگویی که خود اصابت بختیاری دارد، فیلمنامه این اثر را به صورت مشترک با سید محمد حسینی نوشته است که امسال با فیلم «شمال از جنوب غربی» به عنوان نویسنده فیلمنامه در جشنواره فیلم فجر حضور داشته است.

با شروع پیش تولید، بازیگران و عوامل اصلی تولید این اثر معرفی خواهند شد.